

## نگاشت مدل موفقیت خصوصی سازی در جمهوری اسلامی ایران با روش تحلیل ساختاری - تفسیری

شاهو رستگاری<sup>۱</sup> | اسدالله بابایی فرد<sup>۲</sup> | محسن نیازی<sup>۳</sup>

### مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:  
۱۴۰۳/۰۲/۱۱  
تاریخ پذیرش:  
۱۴۰۳/۰۶/۱۸  
صص: ۱۳۸-۱۶۸

### چکیده

طرفداران اقتصاد بازار بر این باورند که فرایند واگذاری شرکت‌های بزرگ دولتی از طریق فروش سهام به بخش خصوصی، از هدررفت منابع مالی جلوگیری و منجر به بهبود کارایی، بهبود عملکرد به واسطه فشار سهامداران، افزایش رقابت و افزایش درآمد خواهد شد. پیاده‌سازی این سیاست در کشورهای گوناگون جهان نتایج متفاوتی (از شکست مطلق تا موفقیت مطلق) را رقم زده است. هدف از انجام این پژوهش نگاشت مدل موفقیت خصوصی سازی در جمهوری اسلامی ایران با روش تحلیل ساختاری - تفسیری است. این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی و از نظر روش ترکیبی از روش‌های اسنادی و پیمایشی و از نظر ماهیت: تحلیلی و اکتشافی است. با مرور ادبیات نظری و تجربی پژوهش و مصاحبه عمیق با نخبگان جامعه کار و تولید (فعالان کارگری، صاحبان کسب و کارهای کوچک، بوروکرات‌های دولتی، متخصصان حوزه کار، متخصصان اجرایی و دانشگاهی و روزنامه‌نگاران) و با استفاده از تکنیک مدلسازی ساختاری تفسیری روابط میان این شاخص‌ها و اثرگذار یا اثرپذیر بودن آنها تعیین گردید. نتایج تحقیق نشان داد که متغیرهای استیلاء بخش نامولد، فریبگی دولت، نظارت‌ناپذیری، حاکمیت قانون، فضای کسب و کار، پارادوکس منابع، دموکراتیزاسیون، اعتماد عمومی و برنامه‌ریزی برای موفقیت برنامه خصوصی سازی در جمهوری اسلامی ایران دارای اهمیت می‌باشند.

**کلید واژه‌ها:** خصوصی سازی، جامعه کار و تولید، روش تحلیل ساختاری تفسیری، نرم افزار میک مک

DOR:

[shahorastegari@gmail.com](mailto:shahorastegari@gmail.com)

[babaiefard@kashanu.ac.ir](mailto:babaiefard@kashanu.ac.ir)

[niazi@kashanu.ac.ir](mailto:niazi@kashanu.ac.ir)

۱. نویسنده مسئول: دکتری جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

۲. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه کاشان، ایران

۳. استاد گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

## مقدمه و بیان مسئله

کشورهای در حال توسعه جهان با بهره‌گیری از آموزه‌های نئولیبرالیسم (با رهبری بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول) با کاهش کنترل و دخالت دولت و همچنین افزایش اهمیت بازارهای داخلی، به بازسازی ساختار اقتصادی خود پرداخته‌اند. دولت‌ها شرکت‌های تحت مالکیت خود را خصوصی کرده‌اند، به منظور تسهیل جریان مالی خصوصی، بازار سهام (بورس) تاسیس کرده‌اند، از نظام بانکی مقررات زدایی کرده و به حذف طرح‌ها و برنامه‌هایی پرداخته‌اند که باعث تقویت صنایع داخلی و حمایت عمومی از آن‌ها شده است. روند آزادسازی اقتصاد در اوایل دهه ۱۹۸۰ به دنبال آشکارشدن عدم کارایی شرکت‌ها و موسسات دولتی، برنامه خصوصی‌سازی در راس سیاست‌های اقتصادی جهان قرار گرفت و دولت‌ها با هدف استفاده از مکانیزم و ابزارهای بخش خصوصی در جهت افزایش کارایی، مطلوبیت، سوددهی و کاهش هزینه‌های تولید واحدهای دولتی اقدام به خصوصی‌سازی آن‌ها کردند (پروکوپنکو، ۱۳۸۰: ۱۱). دولت‌ها با استفاده از خصوصی‌سازی در جستجوی افزایش درآمدها، افزایش کارایی، کاهش دخالت در اقتصاد، افزایش تنوع مالکیت، ایجاد رقابت در بازار محصولات و ملزم کردن شرکت‌های دولتی به رعایت قوانین بازار سرمایه هستند (مگینسون و نتر، ۲۰۱۱). البته باید توجه داشت که منظور از خصوصی‌سازی، اختصاصی‌سازی نیست که در آن اموال عمومی، به نفع عده خاصی به یغما برده شود، بلکه منظور از خصوصی‌سازی، کاستن از بار مالی دولتی و آزادسازی منابع عمومی، افزایش کارایی و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و در نهایت تشویق و گسترش مشارکت شهروندان در فعالیت‌های اقتصادی است (اسدنیا و دیگران، ۱۳۹۵). گستف سان و مک لین خصوصی‌سازی را نه تنها ابزاری برای تغییر ساختار اقتصاد و توسعه نقش واحدهای خصوصی و افزایش رقابت، بلکه زیربنای ضروری برای توسعه و رشد اقتصادی می‌دانند (گستف سان و مک لین، ۲۰۰۲: ۱).

علی‌رغم مخالفت‌های زیاد در آغاز خصوصی‌سازی، تجربه‌ی خصوصی‌سازی عموماً در کشورهای توسعه‌یافته موفقیت‌آمیز بوده است. از طرف دیگر، تجربه خصوصی‌سازی در بیشتر کشورهای در حال توسعه خیلی متنوع نبوده، به طوری که فروش شرکت‌های دولتی نتایج امیدوارکننده‌ای را در بر نداشته است (الربیی، ۲۰۰۳). معمولاً گفته می‌شود شرکت‌های دولتی به دلیل عدم انگیزه مدیران و کارکنان و فقدان نظام ارزیابی عملکرد از کارایی و بازدهی پایینی برخوردارند. عدم استقرار نظام نظارتی و حسابرسی قوی و پویا و ضعف ساختاری قوانین و مقررات مربوط به حاکمیت شرکتی در شرکت‌های دولتی به کارایی کمتر و بازدهی نامناسب منجر شده است که تایید یارد این نظر نیازمند بررسی و تحقیق است (تاری و حنیفی‌زاده، ۱۳۹۱).

فیلیپ آلستون؛ گزارشگر سازمان ملل، استدلال می‌کند که خصوصی‌سازی عمدتاً به‌عنوان راه‌حلی فنی برای مدیریت منابع و کاهش کسری بودجه ارائه می‌شود اما در حقیقت بخش جدانشدنی از یک فلسفه‌ی اقتصادی و اجتماعی حکمرانی است. خصوصی‌سازی اغلب مستلزم حذف نظام‌مند حفاظ‌های حقوق بشری و به حاشیه‌راندن منافع کم‌درآمدها و کسانی است که در فقر زندگی می‌کنند. روشن است که سازوکارهای پاسخگویی موجود حقوق بشری برای بررسی چالش‌هایی که خصوصی‌سازی گسترده و در مقیاس بزرگ پدید آورده کافی نیست. برخی کشورها با بازنگری بنیادین در روند خصوصی‌سازی، در حال بازواگذاری خدمات اساسی نظیر انرژی، آموزش، بهداشت، حمل‌ونقل، خدمات اجتماعی به بخش عمومی هستند (آلستون؛ ۲۰۱۸: ۳).

در دو دهه گذشته خصوصی‌سازی بعنوان یک سیاست مهم اقتصادی برای دستیابی به توسعه اقتصادی مطلوب، کاهش هزینه‌های گزاف تولید و رهایی از عملکرد ناکارای شرکت‌های دولتی مورد پذیرش از سال ۱۳۶۸ بوده است، لیکن این امر از سال ۱۳۷۹ با تشکیل سازمان خصوصی‌سازی و ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی توسط مقام معظم رهبری و تصویب قانون اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی بصورت جدی مورد توجه قرار گرفت (عطااللهی و دیگران، ۱۴۰۰). غفاری و دیگران (۱۳۹۸) استدلال کرده‌اند که دولت رانتیر در ایران پس‌انقلاب از طریق دو مؤلفه افزایش حجم بودجه عمومی دولت و افزایش مقررات‌گذاری، در تلفیق با اصل ۴۴ قانون اساسی، اندازه دولت را در اقتصاد بزرگ کرده است و در نتیجه، منجر به ناکامی خصوصی‌سازی شده است. خصوصی‌سازی در ایران در یک چرخه معیوب و متناقض افتاده است؛ چراکه این سیاست به صورت همزمان و در عین بازتولید دولت رانتیر و موانع نهادی مسبب گسترش بخش دولتی، در حال اجرایی شدن است.

ایران پس از پایان جنگ به طور جدی تلاش کرد با این موج جهانی همراهی کند. کوچک کردن دولت، رفع تصدی‌گری از دولت، حمایت از بخش خصوصی و ایجاد فضای رقابتی کلیدواژه‌هایی است که بارها توسط مسئولان و در سیاست‌گذاری‌ها به کار رفته تا خصوصی‌سازی را به سرمنزل مقصود برساند (بهداد و نعمانی، ۱۳۹۳: ۱۹). کارخانه‌هایی که با قیمت پایین و در روندهای شتابزده و بعضاً شبه‌انگیز به افراد و گروه‌های خاص سپرده شد و مالکان جدیدی که اغلب به جای تداوم تولید و افزایش دادن بهره‌وری؛ کارگران را اخراج کردند، زمین کارخانه را فروختند و هم هزینه‌های اضافی بر تولید کشور تحمیل و هم صندوق‌های بیمه‌ها را به عنوان نهاد پشتوانه نیروی کار با محدودیت‌های منابع روبه‌رو کردند (مومنی و حاجی میرزایی، ۱۳۹۵: ۲۳۶). واگذاری بیش از ۱,۳۰۰,۰۰۰ میلیارد ریال

Alston

از سهام شرکت‌های دولتی به بخش غیردولتی در سال‌های اخیر (از سال ۱۳۸۲ لغایت ۱۳۹۳)، سهم قابل توجهی از سهام در اختیار دولت را به بخش غیردولتی منتقل کرده است (سایت سازمان خصوص سازی، [www.ipo.ir](http://www.ipo.ir)).

در سال‌های اخیر تجربه خصوصی سازی در شرکت‌هایی مانند نیشکر هفت تپه، آلومینیوم المهدی، ماشین سازی تبریز، آذرآب، هپکو، ماشین سازی و ... نه تنها موفق نبوده بلکه تبدیل به یک مسئله مهم در حوزه‌های اقتصاد، سرمایه اجتماعی و امنیت ملی شده که مصادیق آن را می توان در تعطیلی واحد تولیدی، بیکاری کارگران، تعدیل نیرو و کاهش تولید، تجمع‌های کارگری و بحران‌های مالی و اجتماعی دید و این یعنی مسیر خصوصی سازی و روندهای اجرایی آن نیاز به بازنگری و اصلاح دارند. محمد مساعد در گزارشی با عنوان «زمستان خصوصی سازی» درباره سرنوشت صد شرکت نخست دولتی واگذار شده به بخش خصوصی، نشان می‌دهد برخلاف ادعای مدافعان خصوصی سازی در طول سه دهه گذشته، شرکت‌های دولتی واگذار شده به سمت پویایی و سودآوری حرکت نکرده‌اند. از میان صد شرکت بررسی شده ۱۶ شرکت یا به کلی تعطیل شده‌اند یا در عمل تعطیل هستند. ۶ شرکت در وضعیت نیمه تعطیل به سر می‌برند و فعالیت خاصی ندارند. ۲۹ شرکت دیگر نیز دچار مشکلات جدی هستند. این مشکلات که شامل تولید با ظرفیت کمتر از توان بالقوه، کاهش تولید، مشکلات بازار و... می‌شود، در این شرکت‌ها پرننگ‌تر از دیگر شرکت‌ها بوده و هر کدام از این شرکت‌ها در دهه‌های اخیر بین وضعیت نیمه تعطیل و فعالیت کامل در نوسان بوده‌اند. در این بین بخشی از ۴۹ شرکتی نیز که در حال فعالیت مطلوب هستند، به پشتوانه مالی هلدینگ یا نهادی که به آن وابسته‌اند، متکی هستند یا فی نفسه بازار انحصاری و مناسبی دارند. حداقل در ۶۲ شرکت مشکلات جدی کارگری گزارش شده است. این مشکلات کارگری شامل تعدیل شدید نیرو، اخراج جمعی کارگران، پرداخت نکردن دستمزد کارگران برای ماه‌های پیاپی، و مشکلات قراردادی می‌شود (مساعد، ۱۳۹۷: ۲۵).

## ۱- مبانی نظری و پیشینه پژوهش:

خصوصی سازی از جمله باورهای کلیدی معتقدان به اقتصاد بازار آزاد است که با استدلال‌هایی مانند افزایش کارآمدی، ایجاد فضای رقابتی و مقابله با انحصار دولت مطرح می‌شود. خيونگ (۲۰۲۴) با تاکید بر تاثیر مثبت اصلاحات خصوصی سازی در چین در فاصله سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۷ بر روی شاخص‌های اقتصادی این کشور بر این باور است که در غیاب این سیاست‌ها رشد بهره‌وری ۶۰ درصد

و درآمد صادراتی ۱۲ درصد کاهش پیدا می‌کرد. تجربه تاریخی چند دهه اخیر نشان داده که هرگاه کشوری خواسته از قافله جهانی‌سازی نولیبرالی عقب نماند، اول از همه خصوصی‌سازی واحدهای تولیدی بزرگ را اجرایی کرده است (سیف، ۲۰۲۱). ایران پس از پایان جنگ به طور جدی تلاش کرد با این موج جهانی همراهی کند. کوچک کردن دولت، رفع تصدی‌گری از دولت، حمایت از بخش خصوصی و ایجاد فضای رقابتی کلیدواژه‌هایی است که بارها توسط مسئولان و در سیاست‌گذاری‌ها به کار رفته تا خصوصی‌سازی را به سرمنزل مقصود برساند (بهداد و نعمانی، ۱۳۹۳: ۱۹). کارخانه‌هایی که با قیمت پایین و در روندهای شتابزده و بعضاً شبه-انگیز به افراد و گروه‌های خاص سپرده شد و مالکان جدیدی که اغلب به جای تداوم تولید و افزایش دادن بهره‌وری، کارگران را اخراج کردند، زمین کارخانه را فروختند و هم هزینه‌های اضافی بر تولید کشور تحمیل و هم صندوق‌های بیمه‌ها را به عنوان نهاد پشتوانه نیروی کار با محدودیت‌های منابع روبه‌رو کردند (مومنی و حاجی میرزایی، ۱۳۹۵: ۲۳۶). کارگرانی که فاقد امنیت شغلی هستند و برخی از آنان ماه‌هاست حقوقشان را دریافت نکرده‌اند، تولیدی که در رکود به سر می‌برد و منابع بیمه‌ای که هر روز کمتر از گذشته می‌شود شرایط بحران‌خیزی را به وجود آورده که برای تحلیل آن نیازمندیم پا به میدان واقعیت خصوصی‌سازی در ایران بگذاریم.

مناقشه نظری در خصوص بحث خصوصی‌سازی، اختلاف نظر بر سر نقش مناسب دولت در اقتصاد سرمایه داری بوده است. طرفداران خصوصی‌سازی؛ دولت را به عنوان یک نیروی غیر ضروری و پرهزینه بر روی یک سیستم کارآمد می‌دانند. منتقدان؛ دولت را به عنوان یک بازیگر مهم در سیستمی می‌دانند که در آن کارآمدی تنها یکی از اهداف متنوعی است که امکان وجود دارد. دیدگاه سومی نیز وجود دارد: مسئله صرفاً خصوصی یا عمومی بودن مالکیت نیست. در عوض، سوال کلیدی این است که تحت چه شرایطی احتمال بیشتری وجود دارد که مدیران به نفع عموم عمل کنند. بحث در مورد خصوصی‌سازی باید در یک زمینه بزرگتر مورد بررسی قرار گیرد و بیشتر بر اساس بحث اخیری که در بخش خصوصی بر سر ادغام و تملک موج زده است، بازنگری شود. مانند موضوع ادغام و تملک، خصوصی‌سازی شامل جابجایی مجموعه‌ای از مدیرانی است که سهامداران به آنها اعتماد دارند - شهروندان - با مجموعه دیگری از مدیران که ممکن است به مجموعه‌ای از سهامداران متفاوت پاسخ دهند.... درس‌های حاصل از این تجربه مستقیماً در بحث خصوصی‌سازی قابل استفاده است: مسئولیت‌پذیری مدیریتی در قبال منافع عمومی بیشترین اهمیت را دارد، نه شکل مالکیت (گودمن و لو

من، ۱۹۹۱). خصوصی‌سازی به معنای تغییر مدیریت، تعهدات و ارزیابی‌ها از سازمان‌های دولتی و واگذاری آنها به سازمان‌های خصوصی است و بحث خصوصی‌سازی به‌ویژه در پدیده جهانی شدن، اهمیت مضاعفی پیدا کرده است (بوم و کوپر، ۲۰۱۸: ۱۰۲). خصوصی‌سازی کاهش نقش دولت در ارائه خدمات، کاهش یارانه‌های دولتی و مقررات زدایی بیشتر و انتقال خدمات از بخش دولتی به بخش خصوصی است (بری، ۲۰۰۲: ۲۱۱-۲۰۱). پارکر<sup>۳</sup> (۲۰۲۴) با نقد الگوی عام نئولیبرالیسم در خصوصی‌سازی شبکه‌های بهداشت و سلامت روان، از عقب‌نشینی دولت شیلی در ارائه خدمات سلامت به جمعیت ۳۰ میلیونی ساکن در مناطق حاشیه‌نشین انتقاد کرده و نشان می‌دهد که چگونه این سیاست‌ها به بازتولید فقر کمک کرده‌اند. بیگاتن<sup>۴</sup> و کلیگ<sup>۵</sup> (۲۰۲۴) با بررسی تطبیقی تاریخی روند خصوصی‌سازی در کشورهای الجزایر، مراکش و تونس در فاصله سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۷ بر تاثیر نهادهای گوناگون حاکم بر جوامع در موفقیت یا شکست سیاست خصوصی‌سازی تاکید می‌کنند. آن‌ها با تمرکز بر روی عواملی نظیر تاریخ سیاسی، ساختار احزاب سیاسی، سیاست‌های اقتصادی، حوزه‌های خصوصی‌سازی، حکمرانی خوب، رویکرد به خصوصی‌سازی و مدیریت بحران‌های خصوصی‌سازی به تعادل ظریف بین پیگیری رهبران سیاسی از اهداف سیاست عمومی و آرمان خصوصی‌سازی برای به حداکثر رساندن ثروت سهامداران منطبق با شرایط زمینه‌ای هر کشور معین توصیه می‌کنند.

پس از خصوصی‌سازی اداره فعالیت‌های تصدی دولتی می‌بایست از سوی بخش خصوصی انجام گیرد و خصوصی‌سازی در یک تعریف به معنای کاهش حجم دارایی دولت، فروش سهام، مقررات زدایی از فعالیت‌های اقتصادی و کوششی در جهت اداره فعالیت‌های اقتصادی بخش دولتی به شیوه بخش خصوصی دانسته شده است (گوپتا<sup>۶</sup>، ۲۰۰۰: ۴۵). خصوصی‌سازی را می‌توان یک سیاست اقتصادی جهت تعادل بخشیدن میان دولت و دیگر بخش‌های اقتصادی دانست که هدف اصلی آن ایجاد شرایط رقابتی و بهبود بهره‌وری و ارتقای کیفیت محصول و خدمات است (هرمان و فلکر<sup>۷</sup>، ۲۰۱۲: ۳۶). بتگلیو<sup>۸</sup> (۲۰۰۹) از خصوصی‌سازی به عنوان یک ابزار برای توانمندسازی و بهبود پاسخگویی در بخش عمومی دفاع کرده است.

1Boam & Coper

2Barry

3Parker

4Biygautane

5Clegg

6Goopta

7Herman & Felekner

8Batgilioue

پولانی (۱۹۴۴) علی‌رغم تاکید بر ناسازگاری‌های درون‌ماندگار بین اقتصاد بازار آزاد و دموکراسی اجتماعی (به دلیل ماهیت استثماری و سلسله‌مراتبی نظام سرمایه‌داری)؛ از کالازدایی به مثابه یک جنبش اجتماعی مخالف نیروی بازار یاد می‌کند که درصدد محافظت از جامعه در مقابل هجوم بازار است (گودوین، ۲۰۱۸، ۲۰۲۴). مداخله دولت در قالب هزینه‌های اجتماعی برای آموزش، بهداشت، تامین اجتماعی و مسکن به عنوان یک مداخله کالایی زدایی، ارتقاء رفاه جمعی جامعه و مشروعیت بخشیدن به نقش دولت در یک جامعه بازاری تحلیل می‌شود. (کروز -مارتینز، ۲۰۲۴).

لاروکو (۲۰۱۱) بر این باور است که خصوصی‌سازی آموزش و پرورش، علاوه بر کاهش فشار بر بودجه دولت، با ایجاد یک بازار رقابتی در قلمرو یاددهی و یادگیری به کارآیی بیشتر در استفاده از منابع، توجه بیشتر به سلايق و انتخاب‌های افراد جامعه منجر و با افزایش حساسیت عمومی نسبت به آموزش و پرورش و طلب پاسخگویی بیشتر از ارائه‌دهندگان خدمات قادر به ارتقاء کیفیت آموزش است. با وجود این خصوصی‌سازی در صورتی می‌تواند کارآیی و کیفیت مورد نظر را محقق سازد که دارای مدیریت و نظارت کافی و مناسب بوده و از کاهش کیفیت آموزش و بروز نابرابری‌ها و بحران‌های مختلف جلوگیری کند. برخی خصوصی‌سازی را در مفاهیمی چون فرایند فروش اموال دولتی، استفاده از اموال بخش خصوصی، مدیریت خصوصی نسبت به اموال دولتی و یا انعقاد قرارداد برونسپاری جستجو کرده‌اند. این گروه بیش از همه به ظرفیت و روند خصوصی‌سازی توجه نموده‌اند (بروکس و کولینان، ۲۰۰۷: ۵۶). برخی دیگر خصوصی‌سازی را تشکیل شراکت‌هایی با حداقل پنجاه درصد سهام متعلق به بخش خصوصی و در عین حال کنترل بخش‌ها و فرایند مشارکت بخش خصوصی با دولت می‌دانند (بیسلی، ۲۰۰۵: ۲۵).

#### ۲-۱. پیشنهاد داخلی

مومنی و حاجی نوری (۱۳۹۵) در مقاله «اقتصاد سیاسی خصوصی‌سازی همراه با فساد با استفاده از رویکرد نورث<sup>۴</sup>، والیس<sup>۵</sup> و وینگاست<sup>۶</sup> نشان دادند که چگونه روند خصوصی‌سازی در دولت‌های از نوع طبیعی با روال دسترسی محدود و اقتصاد رانتی از مسیر خود منحرف می‌گردد. دولت‌های رانتیر

1Larocco

2Brox & Colinan

3Baisly

4North

5Wallis

6Wingast

از طریق کاهش مطلوبیت محیط کسب و کار برای حضور قدرتمند بخش خصوصی واقعی مانع تراشی کرده و بروی افزایش بهره‌وری و سلامت مالی تاثیر منفی می‌گذارند. خصوصی سازی در کشورهایی با نظم دسترسی محدود و اقتصاد رانتي باعث می‌شود که میزان پاسخگویی بخش خصوصی به توده مردم کاهش پیدا کرده و انحصار اقشار فرادست دولتی بر منابع مالی فرودستان جامعه افزایش یابد.

ستاری (۱۳۸۹) در رساله دکتری خود با موضوع «اقتصاد سیاسی خصوصی سازی در ایران معاصر» بر این باور است که درک ماهیت و علل اقتصاد سیاسی توسعه نیافتگی خصوصی سازی منوط به درک فرایند تاریخی مستمری است که طی آن هسته در حال گسترش سرمایه داری دولتی همچنان در تاریخ معاصر ایران به شکل حادی باز تولید و توسعه یافته است و در مقابل؛ بخش خصوصی اقتصاد از زمینه-های محدودی برای مالکیت، انباشت سرمایه، رشد و ایفای نقش در ساخت قدرت اقتصاد سیاسی و فرایند توسعه ایران برخوردار بوده است. رساله با نقد ماهیت تقلیل گرایانه ادبیات موجود و بویژه با صورت بندی یک رهیافت نظری جدید (تحت عنوان رهیافت پارادایم قدرت) نشان می‌دهد که چگونه فهم ماهیت و منطق درونی گرایش نخبگان مسلط در پارادایم‌های قدرت پهلوی و جمهوری اسلامی به توسعه سرمایه داری دولتی و عدم توسعه بخش خصوصی اقتصاد، بدون توجه به فرایند تاریخی تکوین، تکامل و تعیین با استقرار این پارادایم‌های قدرت در جامعه و بویژه ماهیت نظم مورد نظر آن‌ها در حوزه انباشت، هژمونی، هویت و مشروعیت (به مثابه علیت‌های ساختی یا هسته مرکزی و سخت این پارادایم‌های قدرت) ممکن نیست.

محرم پور و فهیمی (۱۳۹۶) تاثیر اجرای سیاست‌های اصل چهل و چهار قانون اساسی در عملکرد مالی شرکت‌های دولتی را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیدند که واگذاری شرکت تغییر معناداری در عملکرد مالی نداشته است و این امر معلول واگذاری به شرکت‌های شبه دولتی و غیر خصوصی و در نتیجه دولتی بودن مدیریت شرکت‌ها پس از واگذاری اعلام کردند.

۲-۲. پیشینه خارجی

احمد و کوهن (۲۰۱۹) در مقاله‌ای با عنوان «نگرش‌ها و رویکردهای ذینفعان در جریان خصوصی سازی» به بررسی تجارب زیسته و نحوه مواجهه ذینفعان خصوصی سازی در صنعت برق کشور نیوزیلند



پرداخته‌اند و با بهره‌گیری از رویکرد فرایندی و توجه به ارتباط زمانی بین رویدادها در فاصله زمانی ژانویه ۲۰۱۳ تا دسامبر ۲۰۱۴ به بررسی اسنادی نظیر روزنامه‌ها، گزارش‌های دولتی و جلسات برگزار شده پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که دولت با برجسته‌سازی ابعاد قدرت، مشروعیت و فوریت؛ قوانین بازی در طول فرآیند خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی را تعیین و برنامه‌های خود را بدون توجه به مخالفت اکثریت شهروندان به پیش می‌راند.

ریزنبرگ و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهش «نظام جهانی و تهی‌شدگی ظرفیت دولت: تأثیر برنامه‌های تعدیل ساختاری بر کیفیت بروکراسی در کشورهای در حال توسعه» با بررسی داده‌های مربوط به ۱۳۱ کشور در حال توسعه در بازه‌ی زمانی ۲۰۱۴-۱۹۸۵ استدلال کرده‌اند که سیاست‌های توصیه‌شده توسط صندوق بین‌المللی پول با افزایش ریسک افتادن بوروکراسی به دام منافع خاص و فساد و انحصاری کردن ابزار سیاست‌گذاری، تأثیر مخربی بر کیفیت بوروکراسی در بسیاری از این کشورها داشته است. آن‌ها تأکید می‌کنند که این تأثیر مخرب رابطه‌ی معناداری با سطح کیفی بوروکراسی پیش از اجرای این برنامه‌ها ندارد و نشان می‌دهند پارادوکس برنامه‌های تعدیل این بوده که برای اجرای آن به یک بوروکراسی با کیفیت نیاز است، اما خود این برنامه‌ها به بی‌کیفیت شدن هرچه بیشتر بروکراسی منجر شده‌اند. داده‌های پژوهش برگرفته از راهنمای بین‌المللی ریسک کشوری (ICRG) در دوره‌های سه ساله است که برای تکمیل آن از شاخص کیفیت بروکراسی وبری (Weberianness Index) و همچنین از داده‌های مربوط به آمار رشوه و عملکرد بنگاه‌ها استفاده شده است. سه متغیر کنترل اصلی عبارت‌اند از: خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی، کوچک‌سازی دولت، و مقررات‌زدایی قیمتی. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که سیاست‌های تعدیل ساختاری می‌تواند شکل جدیدی از نظریه-ی وابستگی در دوره‌ی پس از جنگ باشد، استفاده از برنامه‌های تعدیل در دهه‌ی ۱۹۹۰ تأثیر بلندمدتی بر ناکارآمدی بوروکراسی دولت‌ها داشته است و در آخر دولت‌هایی که براساس برنامه‌های تعدیل به دنبال توسعه هستند، به تدریج به تسخیر طبقات بالای داخلی در می‌آیند. چنین کشورهایی در پیشبرد منافع نخبگان اقتصادی و سیاسی در متن استبداد مهارت زیادی دارند، اما فاقد بوروکراسی لازم برای تأمین کالاهای عمومی هستند. با آغاز روند کوچک‌سازی دولت، فعالان اقتصادی تلاش کردند تا با انواع لابی‌ها امتیازاتی را برای خود حفظ کنند و از این طریق بوروکراسی را فلج کردند. سیاست تعدیل به‌طور جدی میزان وقوع فساد را افزایش داده و برخی گونه‌های فساد را نظام‌مند و حتی قانونی

Rizenbergh

کرده است. ضعف دموکراسی در همراهی با سیاست‌های تعدیل نیز تأثیری جدی بر تهی‌شدگی هرچه‌بیشتر بوروکراسی داشته است

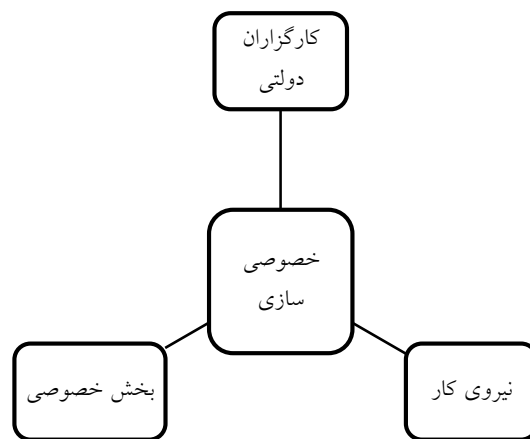
استرین و پیلیر (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «خصوصی‌سازی در کشورهای در حال توسعه: درس‌های اخیر چیست؟» شواهد تجربی اخیر در مورد خصوصی‌سازی در کشورهای در حال توسعه را مرور می‌کنند. آن‌ها به این نتیجه می‌رسند که در حال حاضر، ارزیابی محتاطانه‌ای از خصوصی‌سازی وجود دارد و خصوصی‌سازی به تنهایی برای تولید خودکار منافع اقتصادی در اقتصادهای در حال توسعه کافی نیست. موفقیت خصوصی‌سازی در این کشورها منوط به وجود پیش‌شرط‌هایی مناسب از جمله زیرساخت‌های نظارتی قوی است

ولچ و فرموند (۲۰۰۹) در پژوهش خود با هدف بهینه‌بودن فرایند انجام خصوصی‌سازی اظهار داشته‌اند که خصوصی‌سازی مرحله به مرحله بشدت موردعلاقه متخصصان خصوصی‌سازی است و از آنجایی که مناسبترین روش برای واگذاری شرکت‌های متوسط و بزرگ است، اساس کار همه برنامه‌های خصوصی‌سازی در سراسر جهان قرار گرفته است. همچنین آندسته از اقتصادهای در حال گذار که اخیراً خصوصی‌سازی گسترده به مفهوم واگذاری کوپن سهام به عموم مردم را به اجرا درآورده‌اند، در حال آغاز واگذاری شرکت‌های بزرگ و متوسط خود می‌باشند که در این راه به درک صحیح، طراحی درست و راه‌اندازی فوری برنامه خصوصی‌سازی مرحله به مرحله نیاز دارند.

### ۳- روش‌شناسی تحقیق:

در این تحقیق از روش تحقیق کمی استفاده شد. هدف انجام این تحقیق نگاشت مدل موفقیت خصوصی‌سازی در جمهوری اسلامی ایران با روش تحلیل ساختاری-تفسیری است. در رابطه با هدف یک نوع تحقیق اکتشافی می‌باشد. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه مدلسازی تفسیری-علی استفاده شده است. برای انجام این پژوهش از روش مدلسازی ساختاری تفسیری استفاده شده است. این روش یک فرایند یادگیری تعاملی است که در آن مجموعه‌ای از عناصر مختلف و بهم مرتبط در یک مدل نظاممند جامع ساختاردهی می‌شوند (وارفیلد، ۱۹۷۴). این روش‌شناسی به ایجاد و جهت دادن به روابط پیچیده میان عناصر یک سیستم کمک می‌نماید (فایسال و همکاران، ۲۰۰۶). عناصری که در یک سیستم اثرگذاری بیشتری بر سایر عناصر دارند از اهمیت بالاتری برخوردارند. مدلی که با استفاده از

این روش بدست می‌آید، ساختاری از یک مساله یا موضوع پیچیده، یک سیستم یا حوزه مطالعاتی را نشان می‌دهد که الگویی بدقت طراحی شده می‌باشد (فایسال و همکاران، ۲۰۰۶). در نتیجه، مدلسازی نرم افزار میک مک نه تنها بیشی را در خصوص روابط میان عناصر مختلف یک سیستم فراهم می‌نماید بلکه ساختاری را مبتنی بر اهمیت و یا تاثیرگذاری عناصر برهم بسته به نوع رابطه محتوایی تعریف شده فراهم می‌نماید و نمایشی تصویری به نمایش می‌گذارد. این روش تفسیری است، چون قضاوت گروهی از افراد تعیین می‌نماید که آیا روابطی میان این عناصر وجود دارد یا خیر. این روش ساختاری است چون اساس روابط یک ساختار سرتاسری است که از مجموعه پیچیده‌ای از متغیرها استخراج شده است. این روش یک تکنیک مدلسازی است که روابط مشخص و ساختار کلی در یک مدل دیاگراف، نشان داده می‌شود. روش مدلسازی ساختاری تفسیری در حوزه‌های مختلفی استفاده شده است. ایده اصلی مدلسازی میک مک تجزیه یک سیستم پیچیده به چند زیر سیستم (عناصر) با استفاده از تجربه عملی و دانش خبرگان به منظور ساخت یک مدل ساختاری چند سطحی می‌باشد.



جدول ۱. مشخصات خبرگان

کد	نام	سن	نوع فعالیت	سابقه فعالیت (سال)	رشته تحصیلی	تحصیلات
----	-----	----	------------	--------------------	-------------	---------

۱	امین	۴۲	فعال کارگری	۱۵	کارشناسی	برق
۲	عباس	۶۰	مدیر دولتی	۴۰	ارشد	مدیریت
۳	رضا	۶۲	بازاریاب بخش خصوصی	۳۸	ارشد	تربیت بدنی
۴	علی	۴۸	فعال کارگری	۱۸	کاردانی	حسابداری
۵	رامین	۳۹	مدیر بخش دولتی	۱۵	ارشد	اقتصاد
۶	داوود	۶۲	مدیر پشتیبانی بخش خصوصی	۴۰	کارشناسی	حقوق
۷	علیرضا	۴۴	فعال کارگری	۲۱	دکتری	برق
۸	سعید	۴۵	مدیر عامل شرکت بیمه	۱۳	دکتری	کامپیوتر
۹	حسن	۶۰	سرکارگر سابق خط تولید	۳۶	ارشد	کشاورزی
۱۰	محمد رضا	۵۰	کارشناس موسسه دولتی	۲۲	کارشناسی	فقه
۱۱	امیرعلی	۵۹	مدیر مالی کارخانه مواد سلولزی	۳۰	دکتری	مدیریت
۱۲	حسین	۲۹	فعال کارگری	۵	ارشد	آبچیزداری
۱۳	محمد	۲۸	کارشناس دولت	۹	کارشناسی	کشاورزی
۱۴	مهدی	۳۰	مهندس عمران در شرکت ساختمانی	۸	ارشد	عمران
۱۵	شهرام	۵۲	روزنامه نگار حوزه کارگری	۲۷	کاردانی	اقتصاد
۱۶	نصرالله	۴۷	حسابدار ارشد شرکت	۲۱	ارشد	مالی
۱۷	نعمت	۳۶	فعال کارگری	۱۶	ارشد	بازرگانی
۱۸	رضا	۵۸	معاون مدیر کل بخش دولتی	۳۰	ارشد	شیلات
۱۹	سعید	۴۵	مدیر کل سابق بخش دولتی	۲۵	دکتری	علوم سیاسی
۲۰	مجید	۳۵	کارشناس سازمان دولتی	۱۸	کارشناسی	روان شناسی
۲۱	شهاب	۵۵	کارشناس بخش دولتی	۳۵	کاردانی	حسابداری
۲۲	کامران	۵۳	هیئت علمی دانشگاه و عضو هیئت مدیره شرکت قطعه‌سازی	۳۰	دکتری	آمار
۲۳	حسن	۶۷	مدیر عامل واحد دولتی	۴۰	ارشد	شیلات
۲۴	سعید	۵۲	نماینده کارگران در شورای صنفی کارگران شرکت ماشین‌آلات سنگین	۲۵	ارشد	علوم تربیتی
۲۵	دانا	۳۲	کارشناس حقوقی دولت	۹	کارشناسی	حقوق

۲- یافته‌های پژوهش:

۳- جدول عوامل

ابتدا با مروری سیستماتیک بر ادبیات نظری مربوط به نزاع متغیرهای کلیدی تاثیرگذار بر آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم. پژوهش‌های انجام شده (در قالب مقاله‌های علمی پژوهشی، رساله‌ها، کتب، پایان‌نامه‌های ارشد) در خصوص موضوع خصوصی سازی مورد بررسی قرار گرفت و با استفاده از روش تحلیل مضمون و مصاحبه با خبرگان جامعه کار و تولید (فعالان کارگری، مدیران بخش دولتی و فعالان بخش خصوصی و صاحبان کسب و کارهای آزاد) مفاهیمی استخراج گردید که در نهایت ۱۴ مفهوم از این عملیات احصاء و در اختیار ۲۵ نفر از کارشناسان قرار گرفت تا در جدول ماتریس خودتعاملی ساختاری نمره‌دهی شوند.

جدول ۲. پیشران‌های موثر بر خصوصی سازی حاصل از مصاحبه با خبرگان

شماره	عامل	استخراج از مصاحبه شماره	مفهوم
۱	شایسته سالاری	۲۰/۱۶/۱۵/۱۰/۰۵/۰۴/۰۳/۰۱	عدم آگاهی مدیران/عدم اهلیت
			سنجی مدیران/بوروکرات‌های
			جاه‌طلب/ناترازی ظرفیت نهاد
			مجری خصوصی سازی با
			ماموریت‌هایش/عدم قاطعیت و
			جسارت دست اندرکاران امر
			واگذاری / عدم جذب مدیران با
			تجربه و تخصص/ نبود شایسته
			سالاری در مدیران بخش تعاون
			/عدم آشنایی مدیران با مزایا و
روش‌های خصوصی سازی/ نبود			
اجماع مسئولان به موضوع			
خصوصی سازی			
۲	استیلاء بخش نامولد	۲۰/۱۹/۱۸/۱۱/۱۰/۰۹/۰۸/۰۵/۰۳/۰۲	سودآوری فعالیت‌های موازی
			تولید/ واسطه‌گری و دلالی/عدم
			توسعه بازار سرمایه/بازده
			نامتعارف بازارهای غیرمولد/
			خروج آسان سرمایه از کشور/
			عدم حمایت از تولید داخلی/
			انحصار بانک‌ها در ایجاد
			نقدینگی/عدم توانایی بانک‌ها

در رگولاتوری / گروگان‌گیری اقتصاد ایران توسط مافیا /		
موازی‌کاری نهادی / عدم کارایی آپاراتوس / تمایل به حذف بخش خصوصی / تعدد دستگاه‌های نظارتی / ممانع تراشی دستگاه‌های اجرایی در عملیاتی شدن فرآیند / عدم تعامل وزارت‌خانه‌ها و شرکت‌های مادر تخصصی / نبود نهاد تنظیم- گر / عدم همکاری با شورای رقابت / عدم پاسخگویی به عملکرد مالی / عدم کفایت قوانین حامی خصوصی سازی	۱۵/۱۸/۱۶/۱۳/۷/۸۰/۵۰/۰/۰۶/۰۱	۳ فرهنگی دولت
فرهنگ نظارت‌ناپذیری / ابزارهای نظارتی / اقتصاد سیاسی نظارت / عدم علاقه به نظارت / خوی نظارت‌گریز مسئولان / تعدد مراجع نظارتی / ابزارهای نظارتی ناقص / پارتی بازی در نظارت / مصونیت از نظارت / اعمال سلیقه در نظارت / همپوشانی مقام ناظر / باندهای نظارت / قدرت پایین ناظر بر منظور در سلسله مراتب / قدرتمندان نظارت‌گریز	۲۴/۲۵/۱۹/۱۶/۱۸/۱۲/۱۱	۴ نظارت پذیری
ابهام در روش‌های واگذاری / اراده معطوف به قانون‌گریزی / نبود انگیزه در اصلاح قوانین / فساد سازمان یافته / نبود چارچوب دقیق برای انتخاب متقاضی / عدم کفایت قوانین تسهیلگر اصل ۴۴ / مزایده محوری بجای اهلیت	۲۳/۲۲/۱۹/۱۷/۱۵/۱۰/۱۱/۰۸/۰/۰۲/۰۱/۰۳	۵ حاکمیت قانون

سنجی / واگذاری شرکت‌ها بدون انجام کارشناسی دقیق و قانونی / عدم اجرای درست قوانین / نبود مرجع قانونی برای حل و فصل اختلافات بخش خصوصی	۲۳/۲۱/۱۹/۱۸/۱۳/۱۱/۰۸/۰۴/۰۲/۰۱	شفافیت اداری	۶
خلاءهای قانونی / نبود شاخص- های دقیق ارزیابی / عدم بروز اطلاعات / نبود سازوکار قانونی واگذاری فعالیت‌های دولتی / وجود آیین‌نامه‌های معاملاتی پیچیده خصوصی سازی / نبود جریان شفاف اطلاع‌رسانی / خصوصی سازی غیرشفاف و تبعیض گرایانه	۲۳/۲۲/۱۹/۱۷/۱۵/۱۰/۱۱/۰۸/۰/۰۲/۰۱/۰۳	فضای کسب و کار	۷
اقتصاد ریسکی / مداخلات دولت / هرج و مرج در بازار / نبود بازار رقابتی / مداخله دولتمردان در صدور مجوزهای کسب و کار / افزایش ریسک سرمایه‌گذاری / پیش‌بینی ناپذیری اقتصاد ایران / نبود فضای خلق ارزش و کار آفرینی / پیش‌بینی ناپذیری آینده اقتصادی	۱۸/۱۳/۱۱/۱۰/۰۷/۰۶/۰۵	نگرش مسئولان	۸
نگاه انتفاعی / نگاه امنیتی / رقیب بودن خصوصی / نبود فرهنگ مشارکت / عدم اعتماد به بخش خصوصی / فسادگریزی بخش خصوصی / کارآفرین بودن بخش خصوصی / رقیب انگاری بخش خصوصی / غلبه رویکرد رفع ناترازی بودجه / خصوصی- سازی به مثابه سیاست‌زدایی /			

تقلیل خصوصی سازی به تغییر مالکیت			
عدم برون سپاری فعالیت‌های سودآور دولتی / عدم تسویه به موقع دیون / ذینفع نبودن کارگزاران دولتی / بهره‌مندی از رانت اطلاعاتی / انحصار تسهیلات دولتی / عدم ایجاد فرصت‌های برابر برای همگان / سوء مدیریت خریداران و مدیران منصوب	۲۳/۲۱/۱۹/۱۸/۱۳/۱۱/۰۸/۰۴/۰۲/۰۱	پارادوکس منافع	۹
تشکل یابی نیروی کار / تشکل - یابی بخش خصوصی / آزادی بییان / آزادی مطبوعات / مشارکت نیروی کار در فرایند خصوصی سازی / به رسمیت شناختن حقوق سیاسی مدنی مردم / تقویت چانه‌زنی نیروی کار /	۲۴/۲۳/۲۲/۲۱/۲۰/۱۹/۱۵/۱۱	دموکراتیزاسیون	۱۰
تحریم‌های ناجوانمردانه / آثار قیمت‌های جهانی (نهادها و محصلولات) / عدم درک تحولات جهان توسط مدیران / عدم درک واقعیت‌های بازار / عدم مواجهه هوشمندانه شرکت‌ها با قواعد تجارت جهانی / فضای کلی حاکم بر کشور مانند تحریم‌ها / جذب سرمایه خارجی / دیپلماسی اقتصادی / تقویت سیاست تنش زدایی / خنثی سازی تحریم‌ها /	۲۵/۲۱/۲۰/۱۵/۱۷/۱۱/۱۰/۰۹/۰۸/۰۳	سیاست خارجی توسعه‌گرا	۱۱
اولویت‌دهی به فرهنگ سازی / شکل‌گیری اجماع عمومی /	۲۵/۲۳/۲۲/۱۹/۱۵/۱۱/۰۷/۰۶/۰۵	اعتماد عمومی	۱۲



ایجاد زیرساخت‌های نهادی و حقوقی / ورود رسانه ملی به بحث اقیان‌سازی افکار عمومی / رفع حساسیت‌های سیاسی و اجتماعی نسبت به خصوصی - سازی / تزریق سرمایه اجتماعی / الگوسازی از کارفرمایان موفق / مشارکت خخواهی مردم / اعتمادسازی در اجتماع محلی / فضا سازی فرهنگی / اطلاع رسانی عمومی / جلب نظر ذینفعان			
ناتوانمندی بخش خصوصی / عدم اهلیت بخش خصوصی / ضعف بخش تعاونی / ضعف تصدی گری در بخش خصوصی / عدم استفاده از پیمانکاران با توان مالی بالا / کیفیت نامناسب پیمانکاران / عدم شفافیت سوابق و پیشینه شرکت - های خصوصی / نبود بخش خصوصی توانمند / کاهش اعتماد سرمایه گذاران برای ورود به خصوصی سازی	۱۹/۱۷/۱۲/۱۱/۱۰/۰۹/۰۶/۰۵/۰۲	۱۳	قابلیت بخش خصوصی
نبود استراتژی مدون / نبود وحدت رویه / فرمالیسم صوری / آشفته فکری در مدیریت / نبود برنامه چندمرحله‌ای برای واگذاری فعالیت‌ها / ابهام و سردرگمی در خصوص نحوه واگذاری بنگاه‌های دولتی و شبه دولتی / اشتباه در اولویت گذاری / واگذاری شرکت‌های اعلامی در	۲۴/۱۵/۱۲/۱۰/۰۹/۰۵	۱۴	برنامه ریزی

اصل ۴۴ و نه بر اساس ماهیت  
شرکت و بازار/ عدم تعیین  
تکلیف سرمایه و دارایی‌های  
غیرمولد/ فقدان تعریف مشخص  
از مولدسازی/ ضعف نظام  
آماري برای شناسایی اموال/ نبود  
برنامه‌ریزی برای نهادسازی

## یافته‌های نتایج

### ۱- ماتریس خود تعاملی ساختاری (SSIM)

در این تحقیق برای تعیین روابط محتوایی میان عوامل موثر بر خصوصی سازی، از نظر ۲۵ نفر استفاده شد که طیف متنوعی از نخبگان جامعه کار و تولید شامل مدیران بخش خصوصی، صاحبان کسب و کارهای کوچک، مدیران ارشد و میانی بخش دولتی، فعالان کارگری، فعالان صنفی، کارشناسان دولتی، روزنامه‌نگاران و پژوهشگران حوزه کارگری را شامل می‌شود. این افراد دارای حداقل ۵ سال سابقه کار بوده و در مجامع و نشست‌های تخصصی مربوط به حوزه فعالیت خود، مقالات یا کتابهایی را به رشته تحریر درآورده‌اند. در خصوص هر زوج معیار از خبرگان سوال شد تا در خصوص وجود رابطه میان هر دو معیار اظهار نظر نمایند. ۴ نشانه به منظور نشان دادن چگونگی روابط میان دو استفاده شده است:

V: تاثیر معیار A فقط بر معیار Z

A: تاثیر معیار Z فقط بر معیار A

X: تاثیرگذاری متقابل A بر Z برهمدیگر

O: عدم رابطه تاثیرگذار میان دو معیار A و Z

طبق دستورالعمل وارفیلد (۱۹۷۴) به منظور تعیین نوع رابطه میان عوامل موثر بر خصوصی سازی، از نظرات خبرگان استفاده شده است.

### ۲- ماتریس دسترسی اولیه

ماتریس خودتعاملی ساختاری به ماتریس صفر و یکی تبدیل می‌شود که نام آن ماتریس دسترسی اولیه می‌باشد. در این ماتریس فقط اعداد صفر و یک وجود دارند. قاعده جایگذاری اعداد صفر و یک بجای اعداد اولیه چهارگانه بدین صورت است:

در این مرحله با تبدیل نمادهای روابط ماتریس SSIM به اعداد صفر و یک بر حسب قواعد ذکر شده می‌توان به ماتریس RM دست پیدا کرد. نتایج حاصل در جدول ۳ نشان داده شده است: با تبدیل نمادهای ماتریس SSIM به اعداد صفر و یک بر اساس زیر ماتریس دستیابی اولیه بدست می‌آید.

اگر نماد خانه ij حرف V باشد در آن خانه عدد ۱ و در خانه قرینه عدد صفر گذاشته می‌شود.

اگر نماد خانه ij حرف A باشد در آن خانه عدد صفر و در خانه قرینه عدد ۱ گذاشته می‌شود.

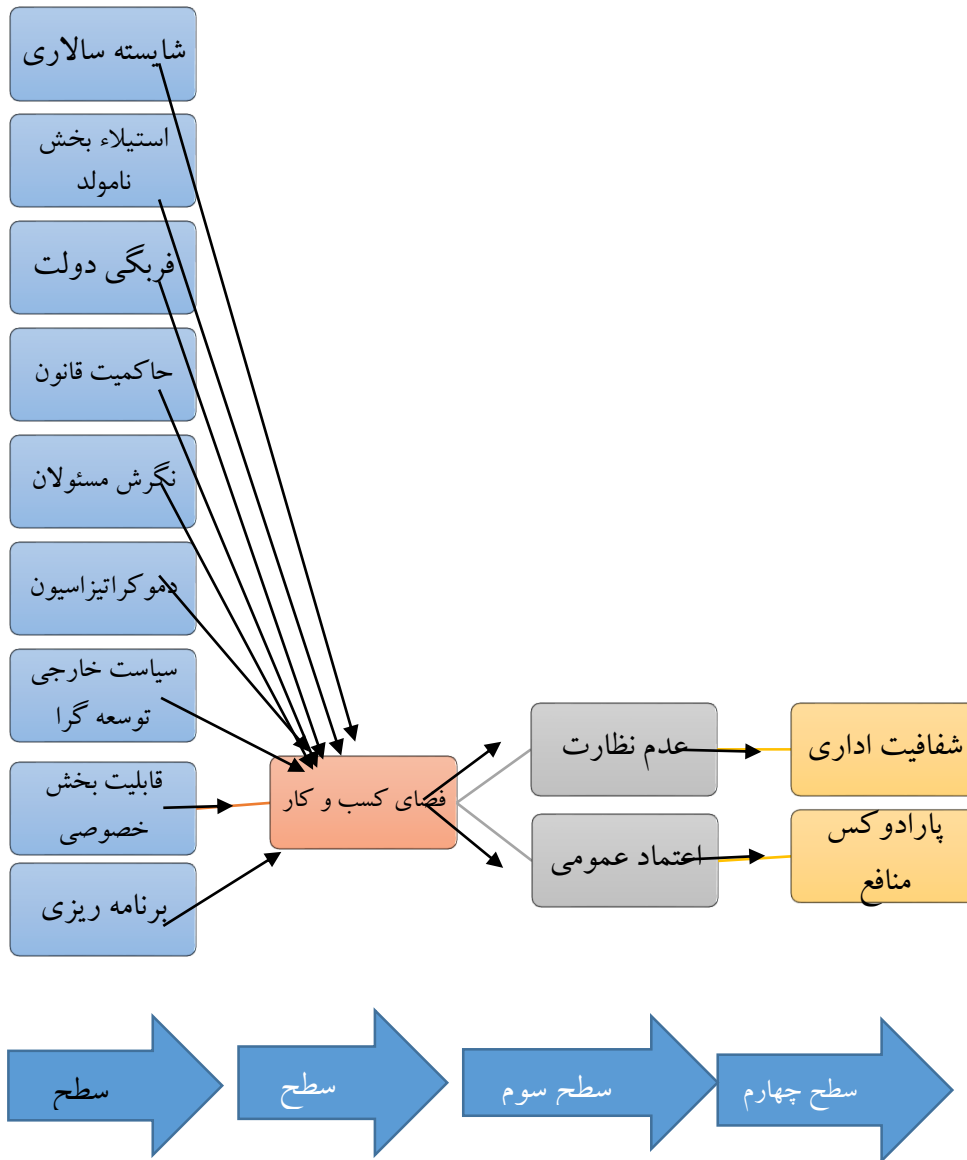
اگر نماد خانه ij حرف X باشد در آن خانه عدد ۱ و در خانه قرینه نیز عدد ۱ گذاشته می‌شود.

اگر نماد خانه ij حرف O باشد در آن خانه عدد صفر و در خانه قرینه نیز عدد صفر گذاشته می‌شود

### ۳- سطح بندی معیارها

پس از تعیین مجموعه قابل دستیابی و مجموعه متقدم برای هر یک از معیارها و تعیین مجموعه‌ی مشترک، سطح بندی معیارها انجام می‌شود. با بدست آوردن اشتراک دو مجموعه قابل دستیابی و متقدم، مجموعه مشترک بدست می‌آید. معیارهایی که مجموعه‌ی مشترکشان با مجموعه قابل دستیابی شان یکی باشد، سطح اول اولویت را به خود اختصاص می‌دهند. با حذف این معیارها و تکرار این فرایند برای سایر معیارها، سطوح سایر معیارها نیز مشخص می‌شود. سپس بر اساس سطوح تعیین شده و ماتریس نهایی، دیاگرام ISM ترسیم می‌شود.

شکل شماره (۱): سطح بندی متغیرهای موثر بر خصوصی سازی



#### ۴- خوشه‌بندی معیارها

به منظور بخش‌بندی معیارها، در ماتریس دسترسی نهایی باید برای هر یک از عناصر، قدرت محرکه و وابستگی محاسبه شود. قدرت محرکه یک عنصر، تعداد معیارهایی است که متاثر از معیار مربوطه

می‌شوند از جمله خود آن معیار. قدرت وابستگی نیز تعداد معیارهایی است که بر معیار مربوطه تأثیر می‌گذارند و منجر به دستیابی به آن می‌شوند. این قدرت‌های محرک و وابستگی در تحلیل ماتریس اثر ضرب ارجاع متقابل کاربردی (MICMAC) دسته‌بندی استفاده می‌شوند که در آن معیارها به چهار گروه خودمختار، وابسته، پیوندی و مستقل تقسیم‌بندی می‌شوند. هدف از تحلیل ماتریس، اثر ضرب ارجاع متقابل کاربردی تجزیه و تحلیل قدرت محرک و قدرت وابستگی متغیرها است (میتازان و همکاران، ۲۰۱۳). خوشه‌ی اول شامل معیارهای مستقل است که قدرت محرک و وابستگی ضعیفی دارند. این معیارها نسبتاً جدای از سیستم قرار دارند که در واقع پیوندهای اندکی با سایر عناصر سیستم دارند، البته شاید پیوندهایشان قوی باشد. در این تحقیق هیچکدام از متغیرها در این خوشه قرار نگرفتند. خوشه‌ی دوم شامل معیارهای وابسته است که قدرت محرک ضعیفی داشته، اما قدرت وابستگی بالایی دارند. متغیرهای ششم (شفافیت اداری) و سیزدهم (قابلیت بخش خصوصی) در این خوشه قرار گرفتند. خوشه‌ی سوم معیارهای پیوندی قرار دارند که هم قدرت محرک قوی و هم قدرت وابستگی قوی‌ای دارند. این معیارها در حقیقت غیر مانا و یا غیر پایدار می‌باشند، به این دلیل که هر اقدامی روی این معیارها تأثیری بر دیگر معیارها و یا بازخوردی به خودشان خواهد داشت. اکثر متغیرها در این خوشه قرار می‌گیرند که شامل متغیرهای دوم (استیلاء بخش نامولد)، سوم (فربری دولت)، چهارم (نظارت ناپذیری)، پنجم (حاکمیت قانون)، هفتم (فضای کسب و کار)، نهم (پارادوکس منابع)، دهم (دموکراتیزاسیون)، دوازدهم (اعتماد عمومی) و چهاردهم (برنامه‌ریزی) می‌باشند. خوشه بعدی معیارهای محرک است که قدرت محرک بالایی به همراه قدرت وابستگی پایینی دارند. متغیرهای اول (شایسته‌سالاری)، هشتم (نگرش مسئولان) و یازدهم (سیاست خارجی توسعه‌گرا) در این خوشه جای گرفتند.

شکل شماره (۲): خوشه‌بندی عوامل موثر بر آینده خصوصی سازی براساس روش MICMAC

**قدرت محرک**

۱۴		C11								خوشه پیوندی
۱۳										
۱۲				C8						

۱۱										C12				
۱۰	خوشه محرک									C10		C9		
۹								C14	C2		C7		C4	
۸				C1				C3			C5			
۷										C13				
۶												C6		
۵														
۴														
۳	خوشه مستقل							خوشه وابسته						
۲														
۱														
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴

قدرت وابستگی

### ۵- نتیجه‌گیری

بیش از سه دهه است که خصوصی‌سازی به عنوان علاجه برای دردهای اقتصاد خاورمیانه و ایران از سوی نهادهای بین‌المللی (همانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول) و سیاست‌گذاران داخلی تجویز می‌شود. این که بخش بزرگ دولتی در خاورمیانه به دلیل پتانسیل بالای فساد و از بین بردن رقابت همانند سدی در برابر رشد اقتصادی قرار گرفته استدلال اصلی چنین تجویزی را تشکیل می‌دهد. بعلاوه در ادامه‌ی چنین استدلالی ادعا می‌شود که با کاهش اندازه بخش دولتی و رشد بخش خصوصی، به واسطه افزایش رقابت و از طریق دست‌های نامرئی بازار مشکل فقدان رشد اقتصادی خاورمیانه و به تبع آن بیکاری حل خواهد شد. نتیجه چنین تشخیص و تجویزی برای اقتصاد ایران خصوصی‌سازی‌های گسترده در بخش‌های مختلف دولتی، از صنعت گرفته تا کشاورزی و سرویس بوده است؛ روندی که از زمان پایان جنگ تا به امروز ادامه پیدا کرده است. در گزارش سازمان بین‌المللی کار در سال ۲۰۱۵ نشان داده شده است که روند موقتی‌سازی شغلی طی دو دهه اخیر در ایران و برخی دیگر از کشورهای خاورمیانه روند به‌مراتب شدیدتری نسبت به کشورهای اروپایی

داشته است. موقتی‌سازی شغلی یکی از مهم‌ترین سازوکارهای بازار آزاد در راستای تشکیل‌زدایی و به تبع آن بی‌صدا کردن نیروی کار در مناسبات سیاست‌گذاری است. در حال حاضر بیش از ۸۰ درصد نیروی کار شاغل در بخش خصوصی ایران در قالب قراردادهای موقت کمتر از یکسال مشغول به کارند (سازمان بین‌المللی کار، ۲۰۱۵: ۳۶).

هدف اصلی این تحقیق؛ نگاشت مدل موفقیت خصوصی‌سازی در جمهوری اسلامی ایران با روش تحلیل ساختاری- تفسیری بود که در قالب طبقه‌بندی و تعیین اهمیت و اولویت هریک از آن‌ها مفصل‌بندی گردید. برای نیل به این هدف، پس از مرور ادبیات نظری و تجربی پژوهش، ۱۴ عامل موثر در موفقیت خصوصی‌سازی با استفاده از روش دلفی و نظر خبرگان شناسایی و توسط ماتریس تعاملی- ساختاری مورد سنجش قرار گرفت. عامل‌های مستقل، وابسته، محرک و پیوندی شناسایی شده و در نهایت عامل‌های کلیدی و اهرمی دارای بیشترین اهمیت بر موفقیت خصوصی‌سازی در جمهوری اسلامی ایران شناسایی شدند.

نتایج تحقیق همراستا با پژوهش‌های نجات و همکاران (۱۳۸۹)، قریشی خوراسگانی (۱۳۹۶)، بحری ثالث و دیگران (۱۳۹۴)، محرم پور و نعیمی (۱۳۹۶) و کوچیندا و والاچی (۲۰۰۲) نشان داد که موفقیت خصوصی‌سازی در هر کشور مستلزم ترکیب شرایط علی و ساختاری متنوعی است که منجر به رشد و توسعه اقتصادی کشور خواهد شد. این شرایط، کلیتی اندامواره را تشکیل می‌دهد که متاثر از پیشران‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است. مولفه‌هایی نظیر قدرت اجماع نخبگان، مدیریت تضاد منافع، نحوه تعاملات با نظم بین‌المللی سرمایه، فرهنگ اقتصادی حاکم بر جامعه، گردش آزاد اطلاعات، محدودیت‌های بوروکراتیک و درجه دموکراتیزاسیون می‌توانند فراتر از تک مولفه "تغییر مالکیت" بر نحوه عملکرد بنگاه‌های اقتصادی و ارتقاء شاخص‌های رشد و توسعه یافتگی موثر باشند. در راستای همین رویکرد؛ منتقدان خصوصی‌سازی ادعا می‌کنند که مالکیت خصوصی لزوماً به بهبود کارایی منجر نمی‌شود و مدیران بخش خصوصی ممکن است در اتخاذ استراتژی‌های سودآور یا شیوه‌های شرکتی که خدمات ضروری را برای بخش‌های بزرگی از مردم غیرقابل قبول یا غیرقابل دسترس می‌سازد، تردیدی نداشته باشند. برای مثال، یک عملیات سودجویانه ممکن است ارائه مراقبت‌های بهداشتی به افراد بی‌بضاعت را انتخاب نکند یا آموزش را به کودکان فقیر یا ناتوان در یادگیری گسترش تسری ندهد. تلاش برای سودآور کردن چنین فعالیت‌هایی به احتمال زیاد به معنای از سرگیری مجدد مداخله دولت خواهد بود. نتیجه ممکن است جذابیت کمتری نسبت به زمانی داشته باشد که دولت به سادگی به ارائه خدمات در وهله اول ادامه دهد (گودمن و لو من، ۱۹۹۱). فرایند

خصوصی اغلب منجر به قدرت‌گیری اقلیت صاحب قدرتی در ساختار و سلسله مراتب اقتصادسیاسی جامعه شده که به عنوان مالکان شرکت‌های واگذار شده منافع خود را در گرو حفظ انحصارها و تداوم وضع کنونی می‌دانند و قاعدتاً هر گونه حرکت در مسیر پیشرفت فرآیندهای دموکراتیزاسیون نظیر حق آزادی احزاب و تشکل‌های مستقل؛ افزایش نظارت و شفافیت و نیز بهینه‌سازی سیاست‌های اخذ مالیات در تقابل با منافع طبقاتی این اقلیت می‌باشد. برآیند سیاست‌های تحت تفاهم واشنگتن غالباً این بوده که تعداد کمی به هزینه بسیاری دیگر، و عموماً طبقات مرفه به هزینه فقرا، منتفع شده‌اند. در بسیاری از موارد، منافع و ارزش‌های بازرگانی بر نگرانی‌های زیست‌محیطی، مردم‌سالاری، حقوق بشر و عدالت اجتماعی چربیده است (استیگلیتز، ۱۳۸۴: ۴۳). خصوصی‌سازی ممکن است از نظر اقتصادی منطقی باشد، اما «بهترین» لزوماً نمی‌تواند به معنای ارزان‌ترین یا کارآمدترین روش باشد، برای ارزیابی معقول گزینه‌ها باید نگرانی‌های مربوط به عدالت، امنیت و شهروندی سنجیده شود. خصوصی‌سازی یک اثر بازخوردی ایجاد می‌کند که در آن نفوذ بر دولت اکنون از «طبقه بزرگ پیمانکاران خصوصی و سایر ارائه‌دهندگان وابسته به پول عمومی» ناشی می‌شود. این تأثیر به ویژه در صورتی خطرناک است که شرکت‌های خصوصی فقط از پرسودترین خدمات صرف نظر کنند و مؤسسات دولتی را به عنوان آخرین راه‌حل ارائه‌دهنده خدمات برای جمعیت یا عملیات با بالاترین هزینه باقی بگذارند (استار، ۱۹۸۷). مرکز‌گرایی و سیاست‌گذاری از بالا به پایین، به‌ویژه در زمان وقوع بحران، سبب نشیندن صدای طبقه فرودست و نادیده انگاشتن درک و تجربه آنها شده است و در بهترین حالت به گونه‌ای روایت شده که باز هم به نفع مرکز بوده است. شناخت درک و تجربه طبقه فرودست از خصوصی‌سازی نه تنها شناخت ما را غنی می‌کند بلکه کمک خواهد کرد تا ارزیابی واقع‌گرایانه‌ای از سیاست‌ها داشته باشیم، و مهم‌تر از همه، نقد زمینه اقتصادی - سیاسی را که موقعیت فرودستی را خلق کرده است ممکن می‌سازد. پیر بوردیو بنیان‌زیرین این سامان اقتصادی که زیر پرچم آزادی فردی قرار دارد را در خشونت ساختاری بیکاری، اشتغال نامطمئن و ترس ناشی از تهدید به از دست رفتن کار جستجو می‌کند. شرط کارایی هماهنگ این مدل فردگرایی اقتصاد خرد و اصل انگیزه فردی در کار، در تحلیل نهایی، در پدیده‌ای توده‌وار، وجود ارتش ذخیره‌ی بیکار است - اگرچه واژه‌ی ارتش نامناسب است، زیرا بیکاری تک افتادگی، هسته‌ای شدن، فردی شدن و بی‌حرکی به بار می‌آورد و همبستگی را از میان می‌برد (بوردیو، ۱۳۸۷: ۱۵۳).

راه حل این مشکل، شکل‌گیری یک سیاست اجتماعی کاملاً متفاوت است که از طریق آن، خدمات اجتماعی از هر نوع بتوان فارغ از رفتار افراد ذی نفع ارایه داده و از طریق آن بتوان خدمات را به گونه -



ای شکل داد که حالت اعطای موهبت نداشته، بلکه حقوق طبیعی ای باشند که رعایت می گردند. تنها از این طریق می توان از سیاست اجتماعی به عنوان ابزار توسعه و همبستگی اجتماعی استفاده نمود، در حالی که برابری و مساوات نیز مبنای کار باشد (رمضان، ۱۳۹۱: ۱۲۵). مطالعه عوامل موثر بر خصوصی سازی و همچنین پیامدهای سیاسی و اجتماعی اش می تواند زمینه کنترل این اعتراضات خیابانی را در آینده امکان پذیر نماید. از سوی دیگر ضروری است که نحوه اعمال تکنیک های مدیریت بحران، سطح تعامل با معتمدان محلی، کیفیت حضور تشکل های مدنی و مواردی از این دست مورد بررسی و کنکاش قرار بگیرد.

موفقیت در خصوصی سازی به کیفیت نهادهای سیاسی و اقتصادی بستگی دارد. خصوصی سازی، بدون ساختار بنیادین حاکمیت قانون و سازوکارهای اجرایی همراه با آن، نتایج دلخواه را پدید نمی آورد (نورث، ۲۰۰۳: ۱۵). بررسی خصوصی سازی در کشورهای مختلف جهان حاکی از آن است که نه تنها رویکرد جهانی واحد برای خصوصی سازی وجود ندارد، بلکه موفقیت این برنامه تابع عوامل و شرایط مختلفی بوده و الزام های خاصی دارد که برنامه خصوصی سازی با انجام مطالعه و شناسایی کامل شرایط و سپس آماده سازی بسترهای مورد نیاز اجرا شده و اهداف آن به نحو مطلوبی تحقق یافته است، اما به الزام های «پیش و حین و پس» از خصوصی سازی توجه کمتر شده است در نتیجه با اجرای برنامه های خصوصی سازی آن با مشکلات اقتصادی و اجتماعی جدیدی روبه رو شده اند. مشکل اساسی خصوصی سازی این است که نیاز به خصوصی سازی در کشورهایی که در آنها حکومت کمتر رقابتی و پاسخگو است زیاد است، این کشورها دقیقاً کشورهایی هستند که فاقد نهادهای سیاسی و اقتصادی بالغ هستند. حکومتی که نمی تواند بنگاه های عمومی را که مالک آن است به خوبی اداره کند، اغلب نمی تواند خصوصی سازی را به خوبی طراحی و اجراء کنند و اصلاحات مکمل را به انجام برسانند (گریو و مگیسنون، ۲۰۰۶: ۹).

## ۶- پیشنهاد های پژوهش

در همین راستا پیشنهاد هایی در خصوص راهکارهای عملیاتی خصوصی سازی موفق ارائه می گردند:

افزایش شفافیت روند خصوصی سازی از طریق استفاده حداکثری از ظرفیت نهادهای جامعه مدنی نظیر تشکل های مردم نهاد، روزنامه نگاران، معتمدین محلی و .. جهت نظارت بر حسن عملکرد در فرایند خصوصی سازی

North

بهبود آموزش‌های مدیریتی محلی از طریق بنانهادهن مراکز و موسسات آموزشی جدید پیشرفته، آموزش مدرسان در خارج، اتخاذ تکنولوژی آموزشی به روز و تدارک زمینه‌های مطالعاتی اولیه و سایر اطلاعات.

آگاهی‌بخشی، فرهنگ‌سازی، متقاعدسازی افکار عمومی شهروندان در خصوص منافع رقابت، کارایی و بهره‌وری اقتصادی و نقش سرمایه خارجی

تنظیم برنامه‌های حمایتی و پرداخت جبران به کارگران مربوط

افزایش آگاهی کارگران و عموم مردم نسبت به برنامه خصوصی سازی از طریق گفتگو با اتحادیه‌های صنفی و کارگری و برگزاری سمینارهای عمومی، انتشار مقالات در روزنامه‌ها و نشریات ویژه کارگری و صنفی و توجیه کارگران در خصوص سهام و بازارهای سهام

ایجاد برنامه خصوصی سازی مبتنی بر مشارکت و هدفمند

بسط خدمات آموزش و تعلیم و استخدام دوباره برای گسترش مهارت‌ها، افزایش توان جابجایی کارکنان و ایجاد شغل جدید از طریق اجرای برنامه‌های تحقیق و توسعه شرکت‌ها

## ۷- محدودیت‌های پژوهش

این پژوهش صرفاً عوامل موفقیت خصوصی سازی را شناسایی کرده و ضریب اهمیت این موانع در پژوهش مشخص نشده است.

عدم حضور زنان در بین مصاحبه‌شوندگان یکی از مهمترین مشکلات این تحقیق بود. حضور کم رنگ زنان در اقتصاد، بازتاب خود را در سهم اندک آنان در ساختار مدیریتی کشور و فضای کارآفرینی و نیز بالتبع آن در محیط‌های کارگری نشان می‌دهد.

برش‌های قومی و استانی در این تحقیق مورد ملاحظه قرار نگرفته است. روایت هر استان و هر زیست-بوم محلی و سیاست‌های بازخوردی فعالان سیاسی - کارگری آنان در مواجهه با منطق خودبنیاد سرمایه و خصوصی سازی در این تحقیق مورد اغفال قرار گرفت.

## ۸- پیشنهادها پژوهشی

بررسی تطبیقی تاریخی تاثیر خصوصی سازی در ایران و کشورهای منتخبی که بیشترین شباهت را از نظر شاخص های اقتصادی، تاریخی، سیاسی و فرهنگی با ایران دارند (مثلاً کشورهای منطقه منا).  
 بررسی تطبیقی عملکرد خصوصی سازی در دوره های تاریخی گوناگون کشور (قبل از انقلاب و بعد از انقلاب)

مرور نظام مند پژوهش های انجام شده در حوزه خصوصی سازی در سه دهه اخیر  
 فراتحلیل تاثیر خصوصی سازی بر سودآوری شرکت های خصوصی شده در آیین پژوهش های صورت گرفته در داخل کشور و خارج کشور

ارزیابی تاثیرات اجتماعی فرهنگی (اتاف) پروژه های توسعه ای مرتبط با خصوصی سازی  
 بررسی تاثیر خصوصی سازی بر سیاست های تهی دستان شهری (اعتراض، مقاومت یا انفعال).

آینده پژوهی روند خصوصی سازی در ایران مبتنی بر سناریونویسی و تحلیل پیشران

## ۹- منابع:

- باشدچهرمی، هادی؛ غفاری، مسعود؛ صادقی سقدل، حسین. (۱۳۹۸). تاثیر دولت راتیر بر فرایند خصوصی سازی؛ مطالعه موردی ایران بعد از انقلاب (۱۳۵۷ - ۱۳۹۷). مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، ۹(۳۰)، ۶۹-۹۱.
- بحری ثالث، جمال؛ فتحی عبداللهی، احمد؛ کرمی، غلامرضا. (۱۳۹۴). بررسی تاثیر خصوصی سازی بر عملکرد مالی و عملیاتی شرکت های دولتی خصوصی سازی شده پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، نشریه حسابداری دولتی، ش ۳، صص ۳۱-۴۰.
- بهداد، سهراب؛ فرهاد نعمانی (۱۳۹۳). طبقه و کار در ایران، تهران، نشر آگه.
- پرکوپنکو، ژوزف. (۱۳۸۰). مدیریت خصوصی سازی، ترجمه: دردانه داوری وحسین اکبری، تهران، انتشارات مرکز پژوهش صنعتی آریانا، چاپ اول.
- تاری، فتحاله؛ حنیفه زاده، لطیف. (۱۳۹۲). نقش خصوصی سازی و تغییر ساختار مالکیت بر کارایی شرکت های بیمه. مجلس و راهبرد، ۲۰(۷۵)، ۵-۲۴. <https://sid.ir/paper/224780/fa>. SID.
- جلیل پور، پیمان؛ اسدنیبا، ابوالفضل؛ کوچک، آتوسا. (۱۳۹۵). امکان سنجی خصوصی سازی کتابخانه های دانشگاهی با استفاده از تحلیل SWOT: مطالعه موردی کتابخانه های دانشگاه شهید چمران اهواز. مطالعات کتابداری و علم اطلاعات، ۸(۱۸)، ۱۴۳-۱۶۲. doi: 10.22055/sl.is.2017.12661

- رمضان، محمود بن (۱۳۹۱). *سیاست اجتماعی و توسعه تونس از زمان استقلال: دورنمای سیاسی*، در کتاب *سیاست اجتماعی در خاورمیانه*، مسعود کارشناس و والتین مقدم، ترجمه پیمان جبلی و علی اکبر تاج مزینانی، تهران، نشر دانشگاه امام صادق
- ستاری، س. (۱۳۸۹). *اقتصاد سیاسی خصوصی سازی در ایران معاصر: پژوهشی در ماهیت و علل اقتصادسیاسی توسعه نیافتگی خصوصی سازی در دوره پهلوی دوم و جمهوری اسلامی و تاثیر آن بر روند توسعه ایران*، دانشگاه تهران: رساله دکتری.
- سیف، احمد؛ ۲۰۲۱/۱/۲۱، *بلای خصوصی سازی*، نشریه اینترنتی نقد اقتصادسیاسی، قابل دسترس در <https://pecritique.com/2021/>
- عطااللهی، معصومه؛ کردلویی، حمیدرضا؛ صیقلی، محسن؛ رهنمای رودپشتی، فریدون. (۱۴۰۰). *بررسی روند خصوصی سازی شرکت های دولتی پس از انقلاب اسلامی بمنظور ارایه الگوی بهینه با رویکرد اختیار معامله حقیقی*. *رهیافت انقلاب اسلامی*. ۱۵(۵۵)، ۳۴۹-۳۶۸.
- قریشی خوراسگانی، مریم سادات؛ یمنی دوزی سرخابی، محمد؛ ذاکر صالحی، غلامرضا؛ گلنار، مهران. (۱۳۹۶). *تحلیل محتوای مقالات حوزه خصوصی سازی آموزش عالی در مجلات علمی کشور*، *نشریه سیاست علم و فناوری*، سال نهم، شماره ۳، صص ۹۵-۶۱.
- محرم پور، غلامحسین؛ فهیمی، حمید. (۱۳۹۶). *بررسی تاثیر اجرای سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی بر قابلیت مالی شرکت های دولتی*، *سیاست های راهبردی و کلان*، شماره ۲۰، صص ۱۰۰-۸۰.
- مساعد، محمد. (۱۳۹۷). *زمستان خصوصی سازی*، *روزنامه شرق* شماره ۳۳۳۵، یکشنبه ۱۶ دی ۱۳۹۷.
- مومنی، ف. وحاجی میرزایی، ش. (۱۳۹۵). *اقتصاد سیاسی خصوصی سازی همراه با فساد*، *پژوهش نامه اقتصادی*، د ۱، ش ۶۷، صص ۲۵۲-۲۲۱.
- Ahmed, H. and Cohen, D.A. (2019). Stakeholder attributes and attitudes during privatisation: a New Zealand case study, *International Journal of Public Sector Management*, Vol. 32 No. 2, pp. 157-174.
- Al-Roubaiee Falah Ali .(2003). «Economic Development Between the State and the Private Sector [Online]» -<http://adelamer.catsh.info/vb/show.thread.php?t=4818>.
- Alston, P. (2018). *Extreme Poverty and Human Right*, United Nations.
- Battaglio R. Paul (2009), "Privatization and Citizen Preferences A Cross-National Analysis of Demand for Private Versus Public Provision of Services in Three Industries", *Administration & Society*, Volume 41 Number 1, pp. 38-66, Sage Publications.
- Baum DR, Cooper R, Lusk-Stover O. (2018). «Regulating market entry of low-cost private schools in education providers in Nigeria: A case of private primary education», *Journal of Global Educational Development*, 60: 100-112.
- Beesley, Micheal.E .(2005). "Privatization Regulation and Deregulation" 2nd, Edition ,Published in Association with the Institution of Economic Affairs.

- Biygautane, M., & Clegg, S. (2024). Understanding the historical processes of privatization policies in North Africa: Lessons from the cases of Algeria, Morocco and Tunisia. *Journal of Infrastructure, Policy and Development*, 8(6), 3670.
- Bray, M. (2002). "The costs and financing of education: Trends and policy implications". Asian Development Bank and Comparative Education Research Centre, University of Hong Kong, Hong Kong, pp: 201-211.
- Brooks, Mary.R and Culinane, kavin .(2007). "Devolution Port Governance and Port Performance, Research in Transportation Economics"Volume 17-51, sever JA.
- Cruz-Martinez, G. (2024). Globalization and liberalization in social policy expansion: testing the compensation and efficiency hypotheses in Brazil. *Journal of Politics in Latin America*, 1866802X241233688.
- Dator, J. (1996). Futures Studies as Applied Knowledge (pp.105-115). In Richard Slaughter (Ed.): *New Thinking for a New Millennium*. Rutledge.
- Estrin ,Pelletier. (2018), Privatization in developing countries: what are the lessons of recent experience?. *The World Bank Research Observer*, 33(1), 65-102.
- Godet, M. (2008). *Strategic Foresight La Prospective*. Cahiers du LIPSOR, Paris.
- Goodman .John and Loveman Gary. (1991 ) Does Privatization Serve the Public Interest? On <https://hbr.org/1991/11/does-privatization-serve-the-public-interest>
- Goodwin G (2018) Rethinking the double movement: Expanding the frontiers of polanyian analysis in the global south. *Development and Change* 49(5): 1268–1290.
- Goodwin G (2024) The double movement in the Global South: Critiques, extensions, and new horizons. In: Cangiani M, Thomasberger C (eds) *The Routledge Handbook on Karl Polanyi*. London: Routledge, 335–348.
- Gordon, T. J. (2012). Cross-Impact Analysis, in *Futures Research Methodology Version 3.0*, American Council for the United Nations University: The Millennium Project.
- Gupta, Asha .(2000). *Beyond Privatization*, MacMilan Press LTD.
- Gustafson, T. F. & McLean, D. D. (2002). "Privatization and its Effects on Public Golf Employees". *The Cyber Journal of Applied Leisure and Recreation Research*, 25, 1-8.
- Hermann, Christoph. and Jorg Flecker .(2012). "Privatization of Public Services, Impacts for Employment, Working Conditions and Service Quality in Europe", First
- Megginson, W., & Netter, J. M. (2021). *From state to market: A survey of empirical studies on privatization*. *Journal of Economic Literature*, 34, 321–389. Published, New York: Routledge.
- Parker, E. (2024). Poverty Governance in the Delegated Welfare State: Privatization, Commodification, and the US Health Care Safety Net. *Social Problems*, spae037.
- Polanyi K .(1944). *The Great Transformation*. New York: Rinehart.
- Reinsberg, B;Kentikelenis, A;Stubbs King, L.(2019).The world system and the hollowing out of state capacity: how structural adjustment programs affect bureaucratic quality in developing countries. *American Journal of Sociology*, 124(4), 1222-1257.
- Rubin, A. (2013). Hidden, Inconsistent, and Influential: Images of the Future in *Changing Times*. *Futures*, 45: 538-544.
- Starr, Paul (1987). *The Limits of Privatization*, Proceedings of the Academy of Political Science, Vol. 36, No. 3, Prospects for Privatization (1987), pp. 124-137 (14 pages.)
- Tsai. T.H., Wan. C.C., & Chiou, J.R. (2016). "Can Privatization be a Catalyst for Environmental R&D and Result in a Cleaner Environment?". *Resource and Energy Economics*, 43: 1-13.
- Welch, D., & Fremond, O. (1998). *The case-by-case approach to privatization: techniques and examples*. The World Bank.

- Xing, M. & Tan, T. (2021). "Environmental Attitudes and Impacts of Privatization on R&D, Environment and Welfare in a Mixed Duopoly". *Economic Research*, 34(1): 807-827.
- Xiong, Z. V.(2024). Privatization Reform and Trade Liberalization in China: A Quantitative Analysis. <https://www.chinaces.org/Files/3055abstract/202401251847311910.pdf>.

